

تحلیل مؤلفه‌های فرهنگی بر ایمنی محیط‌های اجتماعی

(نمونه موردی: شهر رشت)

سید علی حسینی-استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور
حسن اسماعیل زاده- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۸

چکیده

توسعه سکونتگاه‌ها، تمرکز جمعیت، پذیرش عملکردهای مختلف و ضعف سازه‌های انسانی و فیزیکی، توجه به مؤلفه‌های فرهنگی ایمنی را افزایش داده است. در این راستا فرهنگ ایمنی ناظر بر اقدامات مهم پیشگیرانه در مواقع بحران‌های طبیعی و انسانی است. نبود فرهنگ ایمنی در میان مردم، مجریان و دستگاه‌های اجرایی از مشکلات اساسی برنامه‌ریزی مدیریت بحران در ایران است. نبود زیرساخت‌های اجتماعی مقابله با بحران‌های طبیعی، اثر بخشی اقدامات سازمان‌های دولتی را با چالش اساسی مواجه کرده است. بنابراین باید بسیاری از گروه‌های اجتماعی را به عنوان یک فرصت و سرمایه اجتماعی نگرست. هدف این پژوهش شناخت مؤلفه‌های موثر و صورت بندی آن‌ها در ایمنی محیط‌های اجتماعی است. ایمنی محیط‌های اجتماعی، توانایی و ظرفیت آن‌ها را در مقابله با بحران‌ها افزایش داده و امکان ایجاد هماهنگی‌های لازم و تداوم اثر بخشی آن‌ها را نیز فراهم می‌کند. این مقاله به سئوالاتی مانند مؤلفه‌های موثر در ایمنی محیط‌های اجتماعی کدام هستند؟ و آیا بین آموزش و بهبود مؤلفه‌های ایمنی در محیط‌های اجتماعی رابطه وجود دارد یا خیر؟ را بررسی و تحلیل می‌نماید. روش تحقیق پیمایشی، جامعه آماری شهر رشت با ۳۸۴ نمونه (با استفاده از جدول مورگان) و شیوه نمونه‌گیری نیز خوشه‌ای است. یافته‌های پژوهش نیز شامل صورت بندی مؤلفه‌های تاثیرگذار در ایمنی سازی محیط‌های اجتماعی مانند توجه به مؤلفه‌های موثر در تدوین اهداف و خط‌مشی‌ها در برنامه‌های مدیریت بحران، مشارکت، سرمایه‌های اجتماعی، سازگاری، یکپارچگی اجتماعی و نقش آموزش در ایمنی جوامع محلی است.

واژه‌های کلیدی: مؤلفه‌های موثر در ایمنی، مدیریت بحران، بحران و ایمنی، شهر رشت.

۵۰

شماره سوم
تابستان ۱۳۹۱

فصلنامه
علمی-پژوهشی

مطالعات
شهری

مجله علمی-پژوهشی
مؤلفه‌های فرهنگی
در ایمنی محیط‌های
اجتماعی

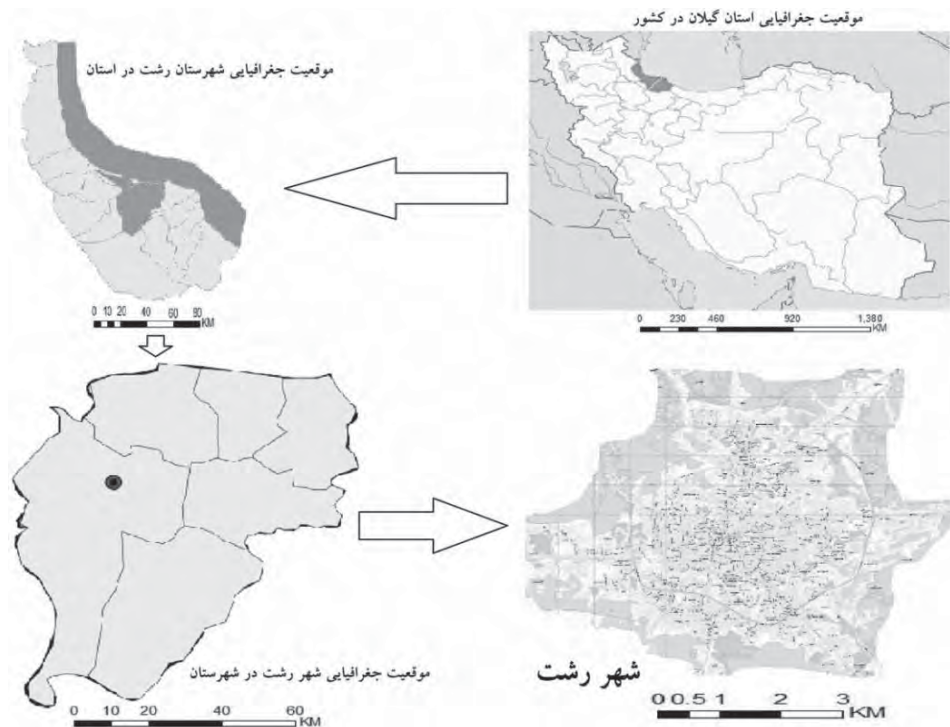
سازمان اجتماعی شهر ظرفیت‌های لازم را با کسب مجموعه‌ای از باورها، هنجارها، انگیزه‌ها و نقش‌های اجتماعی و فنی جهت مقابله با بحران‌های طبیعی، از طریق تعاملات زندگی شهروندی کسب می‌نماید. (Cooper, 2000: 136)

رابطه بین ایمنی و فرهنگ به سطح پیشرفت جامعه مربوط است (معصوم، ۱۳۸۰: ۷). یکی از نهادهای اجتماعی تاثیرگذار از نوع مستقیم بر فرهنگ و مناسبات اجتماعی مدرن، مدیریت شهری است. مشارکت در مدیریت شهری، عرصه تعاملات اجتماعی مردم محسوب و از ملزومات اساسی زندگی شهروندی است (مهذب، ۱۳۸۶: ۱۲۴). پژوهشگران اجتماعی با درک اهمیت مقوله‌هایی مانند هویت، شهروندی، حقوق و وظایف اعضای جامعه، همبستگی مدنی و تعامل اجتماعی هر یک درصدد برآمده‌اند در چارچوبی اغلب تحلیلی. تجویزی، به ارائه دیدگاه‌هایی در این زمینه پردازند (اشرفی، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

هدف این مقاله شناخت متغیرهای موثر در ایمنی محیط‌های اجتماعی است. به نحوی که با تحقق آن‌ها، توانایی و ظرفیت محیط‌های اجتماعی، در مقابله با بحران‌ها افزایش یابد. با توجه به گستردگی، تنوع آب و هوا و شرایط متفاوت محیطی در کشور، وقوع بسیاری از بلایای طبیعی محتمل است (محجوبی، ۱۳۸۶، ص ۲۶). بحران از نظر (UNDP) عبارت است از وقفه کامل و یا قسمتی از فعالیت جامعه و یا گروه به همراه ضایعات جانی، خسارت‌های مادی و آسیب‌های محیطی است که جامعه با امکانات موجود قادر به جبران آن نمی‌باشد (UNDP, 2002: 34). از نظر تامسون مراحل

۱- مقدمه و طرح مساله
فرهنگ ایمنی سلسله اقدامات و راهکارهایی است که ساختارهای مختلف فیزیکی، غیرفیزیکی و فردی را در مقابله با حوادث توانمند نموده و مقاومت آن‌ها را در برابر حوادث مختلف افزایش می‌دهد. بنابراین ایمنی در دو بعد: الف. فیزیکی: ایمنی سازه‌ها، بناها، و ساختارها، ب. ایمنی غیرفیزیکی: آمادگی‌های ذهنی یا فکری فردی و اجتماعی را در برمی‌گیرد. آمادگی ذهنی در فرآیند فرهنگ ایمنی اهمیت به سزایی دارد (فاطمی عقدا: ۱۳۸۳: ۷-۶).

نبود فرهنگ ایمنی در شهرها و بین مردم، مجریان و دستگاه‌های اجرایی دولتی از مشکلات اساسی برنامه‌ریزی مدیریت بحران بوده و به عنوان یک مانع اجتماعی در برابر اجرای ضوابط و مقررات فرهنگ ایمنی محسوب می‌شود (معصوم، ۱۳۸۰: ۱۰). واژه فرهنگ، به طور میان رشته‌ای در تمام زمینه‌های علوم اجتماعی مطرح و مورد توجه بوده است. در این زمینه باید به نقش کلیدی «شاین» در طرح و بسط مفهوم فرهنگ و سازمان و نیز فرهنگ سازمانی اشاره نمود و یافته‌ها و آثار ارزشمند او را به درستی پاس داشت. او در آثار خود به مفهوم فرهنگ به معنی وسیع کلمه و تاثیر متقابل فرهنگ و مدیریت به طرز قابل ملاحظه‌ای پرداخته و در تکمیل آثار پیشینیان عمل نموده و فرهنگ عمومی یا ملی را در کنار فرهنگ سازمانی و به عنوان عاملی موثر بر آن مورد توجه قرار داده است (فرهنگی، ۱۳۸۰: ۵۰). ایمنی را مصونیت در برابر آسیب‌های اجتماعی ناشی از حوادث، اعم از طبیعی، غیرطبیعی (انسان ساخت) معنا کرده‌اند. براساس نظر ترنز و همکاران، ایمنی شهری، فرآیندی است که در آن



شکل ۱- نقشه موقعیت جغرافیایی شهر رشت در شهرستان، استان و کشور

عملیاتی مدیریت بحران به ۵ مرحله پیش بینی، حادثه، امداد و نجات، عادی سازی و بازسازی تقسیم می گردد (تامسون و دیگران، ۲۰۰۳: ۴۶).

UNDP نیز چرخه عملیات مدیریت جامع بحران را در مناطق مستعد به سه بخش قبل از بحران (آمادگی و کاهش خسارت)، بحران و بعد از بحران (امداد و نجات، عادی سازی و بازسازی) تقسیم می نماید (UNDP, 2002: 18). برای مقابله با حوادث غیرمتوقعه و کاهش خسارت ها می توان به اقداماتی نظیر ارتقای سطح آمادگی، شناخت و درک صحیح آحاد مردم از انواع حوادث، آموزش راهکارها و روش های ایمنی و کنترل حوادث اشاره کرد (عسگری، ۱۳۸۳: ۷۴). در این مقاله سرمایه اجتماعی به تعبیر بوردیو محصول نوعی سرمایه گذاری فردی یا جمعی آگاهانه یا ناآگاهانه جهت کسب منافع خاص است (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۱). و با شیوه هایی مانند سنجش سطح اعتماد اجتماعی، برخورداری از نیروهای تحصیل کرده و غیره قابل اندازه گیری است «تاجبخش، ۱۳۸۲: ۱۵۶». و ایمنی اجتماعی، ضوابط و مقررات ایمنی باید ها و نبایدها را برای ارتقاء سطح ایمنی فردی و اجتماعی، در تمام عرصه های زندگی بیان می دارد و تمهیدات لازم را برای به حداقل رساندن خسارت مالی و جانی تدارک می بیند (معصوم، ۱۳۸۰: ۱۰).

مساحتی در حدود ۱۰۲۴۰ هکتار و ۱۰۴ محله شهری و به دلایلی مانند الف. بروز زلزله های مکرر در این شهر و زلزله سال ۱۳۶۹ که سبب خسارت مالی و جانی فراوانی شد، ب. بروز حوادث طبیعی مانند برف سنگین در سال های ۸۳ و ۸۶ که باعث تعطیلی دو هفته ای شهر گردید، ج. بروز سیل های دائمی در داخل محدوده قانونی و د. حوادث طبیعی مانند آتش سوزی های مکرر در آن (بر اثر وزش بادهای گرم محلی) یکی از بی دفاع ترین شهرها از نظر وجود شاخص های فرهنگی در ایمن سازی محیط های اجتماعی خود در سطح منطقه ای و ملی است (شکل ۱) (سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان، ۱۳۸۵: ۱۵). بنابراین پرداختن به این مقوله، به عنوان مورد مطالعه و تدوین مولفه های فرهنگی ایمنی شهری در این شهر می تواند الگوی مناسبی جهت مقابله با بحران های محیطی قلمداد گردد. بی توجهی به این عوامل منجر شده تا تلاش ها با دید فیزیکی و براساس تامین منابع مالی و تجهیزات مهندسی کمترین کارایی و اثربخشی در جوامع محلی را داشته باشد (عسگری، ۱۳۸۳). در حالی که این شهر هیچ گاه از مولفه های موثر اجتماعی خود به مثابه یک فرصت در جهت مقابله با این بحران ها استفاده نکرده است. عمده ترین دلایل این مساله در شهر رشت مانند سایر شهرهای ایران را می توان در فقدان ارتباط و هماهنگی بین شکل گیری پیش نیازهای ایمنی و مولفه های موثر در محیط های اجتماعی از سوی مدیران شهری (که برای کنترل، هدایت و برنامه ریزی، مغفول مانده)، جستجو کرد (عسگری، ۱۳۸۳).

۳. مواد و روش ها:

۳-۱- ویژگی های جغرافیایی جامعه مورد مطالعه

شهر رشت در مرکز جلگه گیلان، در محدوده بین ۴۹ درجه و ۳۵ دقیقه و ۴۵ ثانیه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه و ۳۰ ثانیه عرض شمالی واقع شده است. این شهر در سرشماری سال ۱۳۸۵ با جمعیت ۵۵۷۳۶۶ نفر، حدود ۲۳/۴ درصد از جمعیت استان را به خود اختصاص داده است (باباپور، ۱۳۸۹: ۳۸). شهر رشت با

۳-۲- پیشینه مطالعات فرهنگ ایمنی

به نظر «هاج» محیط های متعددی در شکل گیری فرهنگ ایمنی یک جامعه موثر است. این عوامل عبارت از محیط های جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی است (شکل ۲) (Hatch, 1993).

658). علاوه بر او، «ژان ماری بونتوس» نیز بر این باور است که عدم توفیق بسیاری از برنامه های اجتماعی در سطح شهرها و فعالیت های تجاری برخی از شرکت ها و افراد بر اساس شناخت نادرست آن ها از محیط حاکم بر کسب و کارشان بوده است که در آن فرهنگ نقش اساسی دارد (Bonthos, 1994: 32-33).



شکل شماره ۲. تاثیر نظام های مختلف بر شکل گیری فرهنگ ایمنی

اندازه گیری شوند. وقتی اهداف فیزیکی و مشخصات فنی مولفه های ایمنی با یکدیگر ترکیب شوند، رابطه خطی بین ریسک و وضعیت مولفه های ایمنی مانند مدیریت، رقابت، ایجاد ارتباط و نگرش های کیفی در جامعه محلی ایجاد می شود. در این زمینه با لحاظ شرایط پیچیده محلی، ایجاد فرهنگ ایمنی اهمیت دارد.

با توجه به اهداف تحلیلی در جوامع محلی، مخاطرات را می توان به سه نوع تقسیم کرد: اول: مخاطرات شناخته شده، که با میزان ریسکی که ایجاد می کنند مشخص شود. دوم: مخاطرات مشخصی که ریسک خسارت آن ها را نمی توان تعیین کرد سوم: مخاطرات ناشناخته. چنین تمایزی بر تغییرات وسیعی دلالت دارند که در آن تشریح ریسک مخاطرات و کنترل کیفی آن ها اهمیت دارد. این شرایط مختلف (عدم اطمینان شناختی) برای درک ریسک و مولفه های ایمنی در مطالعات هادسون، ۲۰۰۹، مولر و دیگران، ۲۰۰۶ و کندی در سال ۱۹۹۸ بحث شده است (Hudson, 2009: 483-485; Kennedy, Kirwan, 1998: 35; Möller, Hansson, Person, 2006: 419-432).

۳-۳- مبانی نظری

«کوبین» در سال ۲۰۱۰ توانست بعضی از عوامل و ابعاد سازمانی در مولفه های ایمنی ریسک را ارائه کند. چارچوب «کوبین» شامل سه بحث اصلی است: مدل سازمانی، شاخص های ریسک برای فاکتورهای سازمانی و یک روش شناسی کیفی. براساس چارچوب تحلیل و تحقیقات قبلی، او شش مولفه سازمانی را تعریف کرده است. ۱- فاکتورهای شخصی ۲- آموزشی/رقابتی ۳- فرایند ها، تحلیل های شغل امن رهنمون ها و دستورالعمل ها ۴- برنامه ریزی، همکاری، سازمان و کنترل ۵- طراحی ۶- برنامه ی بازرسی. این عوامل در مدل سازمانی در طول فاکتورهای اصلی کار را شامل شده و قادر به نفوذ در تاسیسات، رهبری و همچنین درگیر نمودن تجهیزات هستند (Kongsvik, Almklov, Fenstad, 2010: 1402-1411).

در این مقاله چارچوب نظری تحلیل، مبتنی بر مدل دنیسون است. این مدل در سال ۲۰۰۰ ارائه شد. در این مدل ۴ ویژگی مورد توجه قرار گرفت. الف. مشارکت ب. یکپارچگی ج. سازگاری و د. ماموریت (denison & Neal, 2000: 116)

الف. مشارکت: در این مدل سازمان اجتماعی شهر سازمانی است که خود را درگیر مسایل ایمنی شهری می نماید. یعنی شهروندان در کلیه فعالیت های مربوط به ایمنی شرکت می کنند. این محلات بر محور کارگروهی شکل می گیرند و قابلیت های منابع انسانی را در همه سطوح توسعه می دهند. شهروندان به کارشان متعهد و خود را قسمتی از پیکره اجتماعی احساس می کنند. افراد در همه سطوح احساس می کنند که در تصمیم گیری نقش دارند و این تصمیمات است که بر کارشان موثر است و کار آنها مستقیماً با اهداف جامعه محلی در زمینه ایمنی پیوند دارد (منوریان، ۱۳۸۷: ۹۹).

ب. یکپارچگی اجتماعی: عبارت از روش ها و نظام هایی که مبنای یک فرهنگ اجتماعی را تشکیل می دهند و گرایش بالایی به اثربخشی دارند. تحقیقات نشان داده است که سازمان های محلی دارای اثربخشی بالایی هستند که باثبات، یکپارچه، و رفتار ساکنین

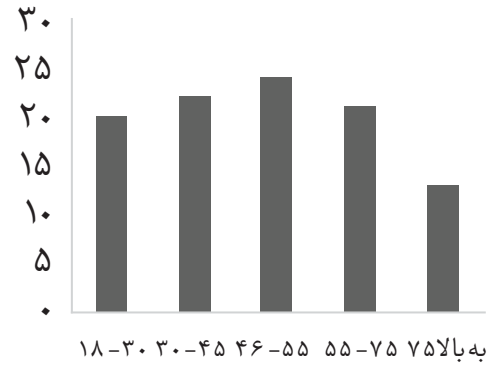
در سال ۱۹۶۶ مطالعاتی در زمینه رابطه ی بین سازمان های اجتماعی فعال و فرهنگ ایمنی انجام شد (آستین، ۱۹۷۲: ۴۱۰). اهداف عمده توجه به ایمنی در حوزه های محله ای در شهر در سه محور متمرکز گردید:

۱. موضوعات مربوط به خدمات عمومی: شامل سازه های فیزیکی و مور نیاز همه افراد جامعه، مانند خدمات ایمنی.
 ۲. دفاع از هویت فرهنگی: شامل تهدیدهای اجتماعی مانند عدم تعلق به مکان، نابرابرای اجتماعی، ناامنی، تنوع قومی، نوسازی شهری و توجه به مولفه هایی مانند سازمان اجتماعی محلات و تصویر ذهنی مناسب.
 ۳. بسیج سیاسی: معمولاً خواسته ها شامل، مشارکت در تصمیمات برنامه ریزی، نظارت بر هزینه های شورا در واحدهای اجتماعی به منظور تأمین ایمنی است.
- در این راستا جهت انجام اقدامات موثر فرهنگی نیاز به رویکردهای زیر است:
۱. کارکنان نیمه وقت، داوطلب.
 ۲. توانایی جمع آوری اعانه (افزایش سرمایه) در سطح محلات.
 ۳. شیوه عمل پیشرفته مانند: الف. تشکیل گروه های امدادی و خدمات رسان به هنگام بروز بحران، ب. ظرفیت پیشرفت بررسی موضوع، ج. انتشار اطلاعات و شیوه های گردهمایی سریع، د. مهارت های مذاکره و رویارویی، ه. توانایی مدیریت در زمینه ارائه خدمات به هنگام بحران، و. مهارت های اعمال نفوذ (تسلط)، ز. تجربه در نظارت و ارزیابی برنامه های شهری در زمینه مدیریت بحران، ۴. شبکه های حمایتی طرح های آموزشی برای سازمان دهندگان، و تشکیل اتحادیه گسترده با یکدیگر و با گروه های حامی منافع عمومی و شهروندان (آستین، ۱۹۷۲: ۴۱۰).

استفاده از شاخص ها، درک روشنی از ایمنی به عنوان یک متغیر کیفی به ما ارائه می دهند که می توانند به وسیله عوامل متفاوت



نمودار ۱. وضعیت سواد پاسخ دهندگان



نمودار ۲. وضعیت سواد پاسخ دهندگان

از ارزش‌هایی بنیادین نشأت گرفته است.

ج. سازگاری: به معنی توجه به الزامات محیط کاری در فعالیت‌ها است. سازگاری دربرگیرنده نظامی از هنجارها است که در آن سازمان‌های محلی با هماهنگی تغییر یافته، در جهت یکپارچگی درونی و انطباق‌پذیری بیرونی به عنوان مزیت اصلی در زمینه مدیریت ایمنی تلاش می‌کنند. این محیط اجتماعی با هدایت ساکنین ریسک‌پذیر و با عبرت از اشتباهات، از طریق کسب تجربه و ایجاد ظرفیت‌های لازم، به جلو حرکت می‌کند. آن‌ها به طو مستمر در حال بهبود توانایی اجتماعی و ارتقای ارزش‌های اجتماعی ساکنین هستند (denison & Lane, 2003: 18)

د. ماموریت و رسالت: شامل تعریف و تعیین جهت‌هایی طولانی مدت برای ایمنی اجتماعی است. مهم‌ترین ویژگی سازمان محلی در شهرها، رسالت و ماموریت آن است. سازمان‌های محلی که نمی‌دانند کجا هستند و وضعیت موجودشان چیست؟ معمولاً به بیراهه می‌روند. محیط‌های اجتماعی موفق درک روشنی از اهداف خود دارند، به طوری که اهداف محیطی و اهداف راهبردی را تعریف و چشم‌انداز توسعه را ترسیم می‌کنند (منوریان، ۱۳۸۷: ۱۱۳). بنابراین مدل فرهنگ سازمان دنیسون در سطح محیط‌های اجتماعی جهت دسترسی به راهبرد ایمنی عبارت است: الف. یک رویکرد رفتاری است.

ب. طراحی و خلق آن در محیط‌های اجتماعی محلات انجام می‌گیرد.

ج. از زبان کاری برای کشف مشکلات مربوط به مدیریت بحران در سطوح مختلف شهری استفاده می‌کند.

د. با نتایج عملکرد کاری مرتبط می‌شود. ه. اجرای آن سریع و آسان است.

و. برای تمامی شهروندان در سطوح اجتماعی قابل کاربرد است.

۴-۳- سوالات، روش، جامعه آماری و ابزار تحقیق

سوالات تحقیق عبارت است:

۱- با توجه به شرایط موجود نظام شهری، عمده ترین مولفه های

فرهنگی موثر در ایمنی محیط‌های اجتماعی کدام است؟

۲- آیا بین آموزش و بهبود مولفه های ایمنی در محیط‌های اجتماعی رابطه وجود دارد؟

در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. مدل نظری پژوهش مدلی است که در آن تأثیر مولفه های فرهنگی موثر بر ایمنی محیط‌های اجتماعی، نتایج و آثار آن در قالب ۷ مولفه اصلی و ۲۷ زیر مولفه در نظر گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش سرپرست خانوارهای ساکن در شهر رشت است (۱۲۴۵۰۰ خانوار). برای نمونه گیری از شیوه خوشه ای استفاده شده و با استفاده از جدول مورگان، حجم نمونه ها ۳۸۴ نفر انتخاب شده است.

ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته، متشکل از طیف های نظرسنجی و سئوالات مستقیم برای سنجش متغیرهاست. برای محاسبه روایی آن از روش آلفای کرونباخ استفاده شده که ضریب معنی داری سئوالات ۷۶٪ محاسبه گردیده است.

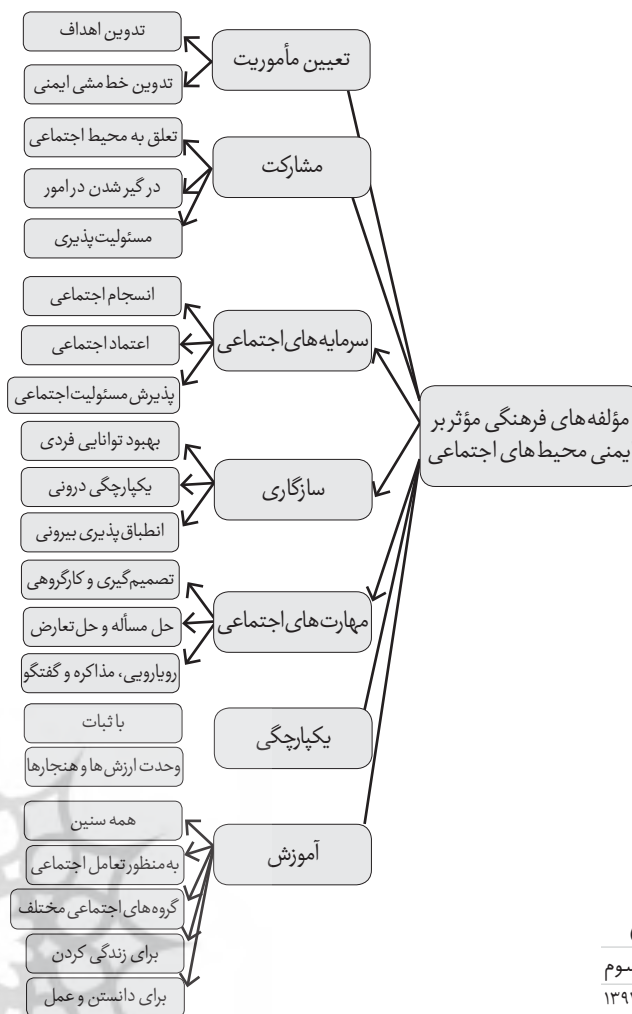
۴-۴. یافته های پژوهش:

۴-۱- مشخصات پاسخگویان

از تعداد ۳۸۴ نفر پاسخگو ۲۶۰ مرد (۶۷/۷ درصد) و ۱۲۴ نفر زن (۳۲/۳ درصد) جهت تکمیل پرسشنامه انتخاب شدند. از این نمونه (نمودار ۱). وضعیت سنی و میزان سواد مشارکت کنندگان نیز در نمودار ۲ و ۳ ترسیم شده است.

۴-۲- روش انجام پژوهش و جامعه آماری

روش انجام پژوهش، توصیفی و جامعه آماری از شهروندان محلات مختلف شهر رشت در تیره ماه ۱۳۹۰ انتخاب شده است. جامعه آماری از سرپرستان خانوارها و گروههای مختلف اجتماعی و اشخاص مایل به همکاری در حوزه این پژوهش، جمعا ۳۸۴ نمونه از جدول مورگان برآورد شده است (Kerjacie and morgan, 1970: 607-610). تعداد ۱۰ درصد هم پرت نمونه و با روش نمونه گیری خوشه ای پرسشنامه ها تکمیل شده است.



مدل مفهومی شماره ۱- الگوی سنجش رابطه بین مؤلفه‌های مؤثر بر

ایمنی محیط‌های اجتماعی

۳-۴ یافته‌های تحقیق:

سؤال اصلی تحقیق این است «با توجه به وضعیت موجود نظام شهری، عمده‌ترین مولفه‌های فرهنگی مؤثر در ایمنی محیط‌های اجتماعی کدام است؟» و سؤال دیگر «آیا بین آموزش و بهبود مولفه‌های ایمنی در محیط‌های اجتماعی رابطه وجود دارد؟» نیز تحلیل گردیده است. با توجه به موضوع پژوهش، ۱۹ متغیر در قالب طیف لیکرت، برای شناخت مولفه‌ها و میزان رابطه آن‌ها با ایمنی محیط‌های اجتماعی طراحی گردید. در این راستا با استفاده از آزمون اسپیرمن رابطه متغیرها تحلیل گردیده است. بنابراین ابتدا، رابطه هر یک از متغیرها با فرهنگ ایمنی بررسی و آزمون گردید تا مشخص شود آیا واقعا بین شکل‌گیری مولفه‌های فرهنگی و فرهنگ ایمنی در شهر رشت رابطه وجود دارد.

مولفه‌های فرهنگی مؤثر بر فرهنگ ایمنی با بهره‌گیری از میان‌نظری و یافته‌های میدانی در ۷ مولفه و ۲۱ شاخص بومی سازی شده است (مدل مفهومی ۱). این متغیرها با استفاده از آزمون ناپارامتریک «اسپیرمن» و ضریب همبستگی تحلیل و سطح معنی‌داری آن‌ها در ذیل بررسی و محاسبه گردیده است.

الف. رابطه بین فرهنگ ایمنی و متغیر تعیین مأموریت‌ها (اهداف

و خط‌مشی‌ها) در محیط‌های اجتماعی: همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌گردد، ضریب همبستگی بین نبود مأموریت‌ها و تعیین خط‌مشی‌ها برابر با (۰/۹+) است. سطح معنی‌داری آن هم پایین‌تر از (۰/۰۵) است، و این‌گونه تفسیر می‌شود که بین تعیین مأموریت‌ها و خط‌مشی‌ها و مشارکت محیط‌های اجتماعی با فرهنگ ایمنی رابطه معنی‌داری وجود دارد. در این خصوص تدوین برنامه راهبردی مدیریت محلی و توجه به دخالت، مشارکت مردم و برنامه‌ریزی از پایین به بالا و با مردم از نکات کلید در خلق، گسترش و پشتیبانی فنی از فرهنگ ایمنی است (جدول ۱).

جدول ۱- تحلیل ضریب همبستگی و آزمون اسپیرمن متغیرهای در نمونه‌ها

فرهنگ ایمنی	شاخص	متغیر	آزمون	
spearman's rho	Correlation Coefficient	تعیین مأموریت‌ها	** .90	
	Sig. (2-tailed)			.000
	N			384
spearman's rho	Correlation Coefficient	مشارکت	** .78	
	Sig. (2-tailed)			.116
	N			384

P<0/01 **

ب. رابطه بین متغیر فرهنگ ایمنی با سرمایه‌های اجتماعی: ضریب همبستگی بین این متغیر با متغیر فرهنگ ایمنی برابر با (۰/۸۵+) و سطح معنی‌داری آن (۰/۱۹۳) می‌باشد، بنابراین بین این دو متغیر رابطه قوی و معنی‌داری وجود ندارد (جدول ۲). متغیرهای مربوط به سرمایه‌های اجتماعی که عبارت است از انسجام اجتماعی، اعتماد عمومی و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی که در این پیمایش بررسی گردید بسیار ضعیف است. در این خصوص با توجه به ضعف سرمایه‌های اجتماعی در جوامع محلی باید با تهیه برنامه‌های مناسب جهت اعتمادسازی، توجه به اختلافات فرهنگی مردم و ارتقای سطح مسئولیت‌پذیری آن‌ها در بهبود فرهنگ ایمنی اقدام کرد.

ج. رابطه فرهنگ ایمنی با متغیر سازگاری در محیط‌های اجتماعی: ضریب همبستگی بین این متغیر با فرهنگ ایمنی در جامعه برابر با (۰/۸۵+) و سطح معنی‌داری آن (۰/۱۸۵+) است، یعنی بین متغیر فرهنگ ایمنی و سازگاری در محیط‌های اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. پس سازگاری از طریق مولفه‌های بهبود توانایی فردی (کسب تجربه و درک میزان ریسک‌پذیری)، یکپارچگی درونی و انطباق‌پذیری بیرونی قادر است بیشترین سطح معنی‌داری و ارتباط قوی با ایمنی محیط‌های اجتماعی را ایفا نماید (جدول ۲).

د. رابطه فرهنگ ایمنی با متغیر برخورداری از مهارت‌های اجتماعی: ضریب همبستگی این متغیر با برخورداری از مهارت‌های اجتماعی برابر با (۰/۹۸+) بوده و سطح معنی‌داری آن هم (۰/۰۰۰+) می‌باشد. پس قدرت تصمیم‌گیری، توانایی انجام کار گروهی به هنگام بروز بحران، حل مسأله و حل تعارض، برخورداری از فرهنگ گفتگو، مذاکره و رویارویی نیز رابطه قوی با ایمنی محیط‌های اجتماعی دارد

جدول ۲- تحلیل ضریب همبستگی و آزمون اسپیرمن متغیرهای در نمونه ها

فرهنگ ایمنی	شاخص	متغیر	آزمون	
.85**	Correlation Coefficient	سرمایه های اجتماعی	spearman's rho	
	Sig. (2-tailed)			.193
	N			382
.85**	Correlation Coefficient	سازگاری	spearman's rho	
	Sig. (2-tailed)			.185
	N			382
.98**	Correlation Coefficient	برخورداری از مهارت های اجتماعی	spearman's rho	
	Sig. (2-tailed)			.000
	N			382
.83**	Correlation Coefficient	یکپارچگی اجتماعی	spearman's rho	
	Sig. (2-tailed)			.179
	N			382

** P<0/01

آموزش عبارت است از: آموزش برای زندگی کردن، آموزش برای دانستن، آموزش برای همزیستی و آموزش برای عمل. چارچوب برنامه عمل آماده سازی از طریق آموزش مردم در ایمنی محیط های اجتماعی شامل موارد ذیل است:

آموزش برای ارتقاء ظرفیت های جامع مدیریتی، برنامه ریزی، کنترل و هماهنگی مدیریت منابع، عملیات و فرآیندهای مدیریت لجستیک و تقویت زیرساخت های تحقیقاتی. ایجاد ارتباطات لازم برای پاسخگویی به وضع اضطراری در ایمنی محیط های اجتماعی.

ارائه برنامه های زمانی قابل اعتماد، ارزان قیمت و پاسخگویی به خدمات خدمات ایمنی محیط های اجتماعی.

ایجاد برنامه برای مشارکت در اطلاعات و نیازهای سازمانی با هدف اطمینان از تداوم آمادگی و ظرفیت پاسخگویی (حائری نیا، ۱۳۸۱: ۸۰).

جدول ۳- تحلیل ضریب همبستگی و آزمون اسپیرمن متغیرهای در نمونه ها

فرهنگ ایمنی	شاخص	متغیر	آزمون	
.94**	Correlation Coefficient	آموزش	spearman's rho	
	Sig. (2-tailed)			0.00
	N			382

** P<0/01

۵. نتیجه گیری

تاکید بر مولفه های موثر بر فرهنگ ایمنی در محیط های اجتماعی همواره مد نظر برنامه ریزان اجتماعی و فضایی بوده است. ضعف صورت بندی متغیرهای موثر فرهنگی در محیط های اجتماعی مانع اساسی در برابر اجرای فرهنگ ایمنی محسوب می شود.

(Irvin, 1982) (جدول ۲).

هـ. رابطه فرهنگ ایمنی با متغیر یکپارچگی اجتماعی: مولفه یکپارچگی اجتماعی از طریق متغیرهایی مانند ایجاد ثبات و یکپارچگی ارزش ها و هنجارهای اجتماعی در ایجاد فرهنگ با ایمنی محیط های اجتماعی بسیار اهمیت دارد. ضریب همبستگی این متغیر برابر با (+۰/۸۳) و سطح معنی داری آن (۰/۱۷۹) است. سطح معنی داری با توجه به این که از ۰/۰۵ بزرگتر است بیانگر عدم رابطه بین متغیر فرهنگ ایمنی و شاخص های یکپارچگی اجتماعی است (جدول ۲).

سؤال دوم تحقیق: آیا بین آموزش و بهبود مولفه های ایمنی در محیط های اجتماعی رابطه وجود دارد یا خیر؟ برای پاسخ به این سوال، ابتدا متغیرهای موثر در آموزش و ایمنی محیط های اجتماعی مانند آموزش در همه جا، همه سنین، گروه های اجتماعی، همزیستی، زندگی کردن، دانستن و عمل کردن شناسایی و سپس با استفاده از آزمون اسپیرمن سطح معنی داری آن تعیین گردید. یعنی بین مولفه فرهنگ ایمنی و متغیرهای آموزش در محیط های اجتماعی (آموزش در همه جا، همه سنین، گروه های اجتماعی، زندگی کردن، تعامل اجتماعی، دانستن و عمل کردن) با سطح معنی داری ۰/۰۰۰، رابطه قوی وجود دارد. یعنی بدون آموزش کارآمد و موثر برای گروه های اجتماعی امکان تحقق فرهنگ ایمنی برای انجام اهداف مورد نظر در محیط های اجتماعی ناممکن است (جدول ۳).

با توجه به همبستگی بالا بین متغیر آموزش و ایمنی محیط های اجتماعی می توان به یافته های زیر تاکید کرد:

«آموزش باعث توانمندسازی جوامع محلی در برابر بحران های محیطی می شود (پیام یونسکو، ۱۳۷۹: ۱۴).

در این راستا کمیسیون بین المللی آموزش برای قرن ۲۱، به رهبری ژاک دلوز (Jaques Delors) اعلام نمود که چهار ستون مورد تاکید

فقدان تامین زیرساخت‌های فرهنگی مقابله با بحران‌های طبیعی، اثربخشی این اقدامات را با چالش اساسی مواجه کرده است. هر ساله حوادث مخرب مختلف در ایران اتفاق می‌افتد. سیاست‌های گذشته مدیریت بحران معطوف به امداد، نجات و واکنش به بحران در هنگام وقوع بود. اما در دهه جدید دیدگاه‌ها در مدیریت بحران به سمت پیشگیری از بحران با تاکید بر مولفه‌های موثر فرهنگی تغییر یافته است. این امر مستلزم جایگزینی تفکر اجتماعی با رویکرد فرهنگی در مقابله با بحران‌های محیطی است. فرهنگ ایمنی، ناظر بر اقدامات مهم پیشگیرانه در مواقع بحران‌های طبیعی و انسانی است. یافته‌های مقاله با استفاده از آزمون اسپیرمن در جامعه آماری مورد پیمایش، رابطه معنی‌دار و مستقیمی بین فرهنگ ایمنی و مولفه‌های فرهنگی تاثیرگذار در محیط‌های اجتماعی را تایید می‌کند. با جایگزین سازی فرهنگ ایمنی و تقویت آن در جوامع محلی و حذف رویکردهای مرسوم و ناموفق، امکان پاسخ‌گویی به نیازهای دولت و مطالبات محیط‌های اجتماعی به منظور کسب رضایت‌مندی، اعتمادسازی و توانمندسازی مردم فراهم می‌گردد. از تعداد ۳۸۴ نفر پاسخگو ۲۶۰ مرد (۶۷/۷ درصد) و ۱۲۴ نفر زن (۳۲/۳ درصد) جهت تکمیل پرسشنامه انتخاب شدند. از این تعداد وضعیت سنی پرسش شونده‌گان بیانگر توزیع نمونه‌ها بین سنین ۱۸ تا ۹۰ سال است. وضعیت میزان سواد نیز نشان دهند توزیع مناسب نمونه‌ها بین گروه‌های مختلف اجتماعی در سطوح مختلف مشارکت‌کنندگان است. مولفه‌های موثر فرهنگی که به مثابه زیرساخت ایمنی در این مقاله پیمایش شد عبارت است:

الف. بین متغیر فرهنگ ایمنی و متغیر تعیین مأموریت‌ها(اهداف و خط مشی‌ها) رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ب. رابطه بین متغیر فرهنگ ایمنی با سرمایه‌های اجتماعی. بین این دو متغیر رابطه قوی و معنی‌داری وجود ندارند. در این خصوص با توجه به ضعف سرمایه‌های اجتماعی در جوامع محلی باید با تهیه برنامه‌های مناسب جهت اعتمادسازی، توجه به اختلافات فرهنگی مردم و ارتقای سطح مسئولیت‌پذیری آنها در بهبود فرهنگ ایمنی اقدام کرد.

ج. رابطه فرهنگ ایمنی با متغیر سازگاری در محیط‌های اجتماعی: بین این دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

د. رابطه فرهنگ ایمنی با متغیر برخورداری از مهارت‌های اجتماعی: قدرت تصمیم‌گیری، توانایی انجام کار گروهی به هنگام بروز بحران، حل مساله و حل تعارض، برخورداری از فرهنگ گفتگو، مذاکره و رویارویی نیز رابطه قوی با ایمنی محیط‌های اجتماعی دارد.

ه. رابطه فرهنگ ایمنی با متغیر یکپارچگی اجتماعی: یافته‌ها بیانگر عدم رابطه بین متغیر فرهنگ ایمنی و شاخص‌های یکپارچگی اجتماعی است.

سؤال دوم تحقیق نیز رابطه بین متغیر ایمنی و متغیرهای آموزش در محیط‌های اجتماعی(آموزش در همه جا، همه سنین، گروه‌های اجتماعی، تعامل اجتماعی، زندگی کردن، دانستن و عمل کردن) را تایید کرد. یعنی بدون آموزش کارآمد و موثر برای گروه‌های اجتماعی امکان تحقق فرهنگ ایمنی در اجرای اهداف مورد نظر در

محیط‌های اجتماعی ناممکن است.

بنابراین در راستای فرضیه دوم، اجرای راهبرد آموزش برای همه و فرصت‌های برابر، امکان بسیج جوامع محلی از طریق توزیع عادلانه منابع، امکانات و ابزارها در جهت صیانت از سرمایه‌های اجتماعی اهمیت دارد. بنابراین با جایگزین‌سازی فرهنگ ایمنی و تقویت آن در جوامع محلی و حذف رویکردهای مرسوم و ناموفق، امکان پاسخگویی به نیازهای دولت و مطالبات جوامع محلی در جهت رضایت‌مندی، اعتمادسازی و توانمندسازی مردم فراهم می‌گردد.

۶. پیشنهادات:

با توجه به ضعف مولفه‌های موثر بر فرهنگ ایمنی در محیط‌های اجتماعی پیشنهاد می‌شود تا برنامه جامع فرهنگ‌سازی برای شکل‌گیری بسترهای فرهنگ ایمنی در محیط‌های اجتماعی شهری تهیه گردد.

• برگزاری آموزش‌های رسمی، غیررسمی در راستای ایمن‌سازی محیط‌های اجتماعی.

• حمایت انتشار نشریات محلی و تهیه بروشور برای گروه‌های هدف اجتماعی.

• اجرای برنامه‌های آموزشی برای گروه‌های اجتماعی آماده پذیرش مسئولیت‌ها مانند فرهنگیان، کارکنان ادارات بهداشت و درمان، دانشجویان، سربازان، گروه‌های داوطلب جهت اعتمادسازی و انسجام اجتماعی.

• تدوین و تنظیم دستورالعمل‌ها در جهت بهبود مهارت‌های اجتماعی در ابعاد قدرت تصمیم‌گیری، توانایی انجام کار گروهی به هنگام بروز بحران، حل مساله و حل تعارض، برخورداری از فرهنگ گفتگو، مذاکره و رویارویی با مشکلات.

• شفاف‌سازی سازمانی جهت ایجاد ارتباط اجتماعی و جریان آزاد اطلاعات.

• حمایت مالی از ایجاد سازمان‌های اجتماعی مردم‌نهاد در سطح محلات شهری و ارائه حمایت مالی، فنی و فکری.

• تغییر در رفتار سازمانی مدیران شهری به منظور ایجاد زیرساخت‌های مدیریت ایمنی در محیط‌های اجتماعی.

• ترویج فرهنگ ایمنی از طریق آموزش همگانی در محیط‌های اجتماعی.

• ایجاد یک نظام تحقیقاتی برای پیش‌بینی اقداماتی در زمینه تعیین نقشه راه فرهنگ ایمنی در بین نهادهای اجتماعی.

منابع و ماخذ:

اشرفی، علی، شهروندی، (۱۳۸۶) دولت و هویت ملی، همایش نهادهای اجتماعی، موسسه مطالعات ملی، تهران.

باباپور، هود، (۱۳۸۹) تحلیل مکانی- فضایی مکان‌گزینی مراکز درمانی شهر رشت، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.

بری، مارک: (۱۳۷۹) آموزش در عمل، پیام یونسکو، شماره ۳۵۸، سال ۳۱.

پیام یونسکو، (۱۳۷۹) آموزش برای همه، شماره ۳۵۸، سال ۳۱.

تاجبخش، کیان و دیگران، (۱۳۸۲) سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی، رفاه اجتماعی، ویژه نامه سیاست اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۰.

ترنز، مارک، هیوم، دیوید، (۱۳۷۹) حکومت‌داری، مدیریت و توسعه، عباس

Hudson, P. (2009) Process indicators: managing safety by the numbers. Safety Science: 47, P 483-485.

Kennedy, R., Kirwan, B. (1998) Development of a hazard and operability-based method for identifying safety management vulnerabilities in high risk systems.

Kerjciec, R.V. and morgan .D.V. (1970), Determining sample size for research activities?, Educational and psychological, N 30.

Irvin.LandJanis(1982) "Groupthink", Boston, Houston, Mifflin.

Kongsvik .T, Almklov, Fenstad .J. (2010) Organisational safety indicators: Some conceptual considerations and a supplementary qualitative approach, Safety Science 48.

Möller, N., Hansson, S.O. Person, M. (2006). Safety is more than the antonym of risk.

Journal of Applied Philosophy 23, 419-432.

UNDP, (2002) An overview of disaster management. Training modules, un. disaster management Training program.

منوریان، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۸۵): نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان رشت.

سوری، حسن، (۱۳۷۸) مهندسی مجدد در سازمان‌های ایرانی، موسسه خدمات فرهنگی رسا.

شاین، ادگار، (۱۳۸۵) فرهنگ سازمان، محمد ابراهیم محبوب، تهران، انتشارات فرا.

داونپورت، تامس، اچ. و پروساک. لارنس، (۱۳۸۵) مدیریت دانش، حسین رحمان سرشت، نشر سپیکو، تهران.

رایبیز، استیفن، پی. (۱۳۸۴) رفتار سازمانی، علی پارساییان و محمد اعرابی، ج سوم، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

روحانی، حسن، (۱۳۹۰) سرمایه خانواده، سنگ بنای سرمایه اجتماعی، راهبرد، سال ۱۹، شماره ۵۰.

عسگری، علی، (۱۳۸۳) برنامه ریزی و مدیریت سوانح در آموزش عالی، شهرداری‌ها، سال ششم، ش ۶۰.

عسگری، علی، (۱۳۸۳) چرا مدیریت بحران، ماهنامه شهرداری‌ها، سال ششم، ش ۶۸.

فاطمی عقدا، (۱۳۸۳) تعریف ایمنی، فرهنگ ایمنی، سال دوم، شماره ۷. فرهنگ، علی اکبر، (۱۳۸۰)، مدیریت دولتی و فرهنگ اجتماعی، دانش مدیریت، س چهاردهم، ش ۵۵.

عبداللهی، مجید (۱۳۸۲)، شهر ایمن: شهر مشارکتی، فرهنگ ایمنی، سال دوم، شماره ۵.

کالتون، جوزف، (۱۳۸۵) گسترش اهداف: سهیم کردن طبقات اجتماعی مردم در فرایند آمادگی، مدیریت بحران، اصول و راهنمای عملی برای دولت‌های محلی، توماس ای. درابک و جرالده جی. هولمز، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

کمیسیون ملی یونسکو، (۱۳۸۴) آموزش در جامعه اطلاعاتی، ابراهیم کاظمی پور، دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی.

کمیسیون ملی یونسکو، (۱۳۸۴) یادگیری آزاد و از راه دور، بررسی گرایش‌ها، خط‌مشی و راهبرد، داوود طبایی عقدا، دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی.

گودرزوند، مهرداد، نجبایی، صدرا (۱۳۸۹) رابطه بین مدیریت دانش و شاخص‌های فرهنگی، کارودانش، ش ۱۲۳.

محبوبی، عظیم، (۱۳۸۶) نقش راهبرد آموزش در کاهش خسارت‌های ناشی از حوادث غیرمترقبه، هفته نامه برنامه، سال پنجم، ش ۲۱۷.

معصوم، جلال، (۱۳۸۰) ضوابط و مقررات ایمنی، ضرورت‌ها و تنگناها، فصلنامه فرهنگ ایمنی، سال اول، شماره ۱.

منوریان، عباس، قربانی، محمد، (۱۳۸۷) فرهنگ سازمانی با تکیه بر مدل دنیسون، شیراز، نشر مرکز.

مهدب طلاب، محمد علی، (۱۳۸۶) فضای شهری، بستر همبستگی اجتماعی، همایش نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی، موسسه مطالعات ملی، تهران.

Austin, D. (1972) Residential, Participation: Political Mobilization or Organizational Cooperation? Public Administration Review (September), PP 409-420.

Cooper, M.D. (2000) Towards a model of safety culture, safety Science, Vol 36, P111.

denison.D.R. & Neal,W. (2000) Denison organization culture survey: Facilitator guide, Published by denison consulting, LLC, Ann Arbor, MI: Aviat.

denison.I & Lane, h.w. (2003) international joint: ventures: creating value through successful knowledge management journal of word business, 38: 15-30.

Hatch,M. (1997). Organizational theory: Modern, Symbolic & postmodern perspective; Oxford University press

